

نگارخانه

فصلنامه علمی

وابسته به بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

- واکاوی مسئله «تلقیح مصنوعی» در فقه اهل بیت و حقوق ایران / سید محمد حسینی دره صوفی
- امام صادق (ع) از منظر امامان و دانشمندان اهل سنت / حفیظ الله محمدی
- مبانی قرآنی نهضت عاشور / شیخ حسین مجاهد دره صوفی
- اسباب تأخیر اجرای حدود در فقه اهل بیت، فقه حنفی و حقوق افغانستان / سید سید قربان حسینی
- سنجش واقعیت قصص قرآنی با مطالعه داستان موسی و مرد دانا / محمد جعفر میلان نورانی؛ مجید سرکوبی
- مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی / داود عطایی
- بررسی معاطات در انظار فقهای شیعه / شیخ مختار محمدی

عنوان: فصلنامه علمی نیسم کوثر

مدیر مسئول: سید مهدی حسینی

سرمدیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سید محمد نقوی

مدیر داخلی: سید محمد رضا علوی

گرافیسیت: سید محمود محسنی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: ایران، قم.



سال دوم، بهار ۱۴۰۱، شماره ۴

واکاوی مسئله «تلقیح مصنوعی» در فقه اهل بیت و حقوق ایران

سید محمد حسینی دره صوفی^۱

چکیده

در عصر حاضر، انجام تلقیح مصنوعی به صورت تصاعدی در حال افزایش است، با توجه به همین ضرورت، مباحث فقهی و حقوقی مربوط به آن تبیین شد تا افرادی که به این امر اقدام نموده‌اند، متوجه تبعات فقهی و حقوق ناشی از آن شده باشند. تلقیح مصنوعی را بردو قسم تقسیم کردند: ۱. بارور کردن با نطفه‌ی شرعی ۲. باورد کردن با نطفه و اسپرم بیگانه. در قسم اول منع شرعی و حقوقی وجود ندارد و تمام آثار نسبی بر کودک و والدین او تطبیق شده است. در قسم دوم مشهور فقهای اهل بیت (ع)، با دلیل قائل به حرمت آن هستند. عده‌ای نیز با استفاده از اصل اباحه، حکم به جواز داده‌اند. پس اگر زن و شوهر اقدام به تلقیح مصنوعی کرده باشند، کودک فرزند شرعی و قانونی آن‌ها است و اگر بانطفه نامحرم عمدا اقدام به تلقیح مصنوعی شود، گرچه رابطه‌ی محرمیت برقرار است؛ ولی اگر مرد نامحرم، نطفه‌ی خود را واگذار کرده باشد، بحث ارث منتفی است و در صورت عدم اعراض، رابطه وراثت، محرمیت و نسب برقرار است.

واژگان کلیدی: تلقیح مصنوعی، حرمت تلقیح مصنوعی، ادله مخالفان تلقیح

مصنوعی، جواز تلقیح مصنوعی، نسب تلقیح مصنوعی، ارث تلقیح مصنوعی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و حقوق قضایی، جامعه‌ی المصطفی العالمیه، قم.

❁ مقدمه

لقاح از ماده لقح در لغت به معنای بارور شدن و تلقیح نیز به معنای آبستن کردن است (بهشتی، بی تا، ۱۱۹؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۹۹).

تلقیح مصنوعی در اصطلاح فقهی عبارت است از: قرار دادن نطفه مرد در رحم زن بدون نزدیکی جنسی.

تلقیح مصنوعی، ریشه در تجربیات انسان‌های بدوی دارد، در ۱۹۱۴ م یکی از پزشکان انگلیسی مقیم مصر به نام دکتر جامیسون مطلع شد که در میان برخی از قبایل بدوی، روشی برای باردار ساختن زنان نازا وجود دارد، در قدم اول چنین به نظر می‌رسید که بدویان بر تکه پشمی وردی می‌خوانند و او را در دهانه‌ی رحم زن نازا قرار می‌دهند، عده‌ای از زنان نازا با این روش حامله می‌شدند و عده‌ای هم می‌مردند.

پس از تحقیقات، مشخص شد که قطعه پشم را به منی مردان آغشته می‌نموده‌اند و شخصاً استفاده‌کننده، همراه با منی مرد، مقداری زیادی از میکرب‌های کشنده نیز به رحم منتقل می‌شد، اگر قدرت بدنی داشت، بدنش در برابر میکرب‌ها مقاومت می‌کرد و باردار می‌شد و گرنه می‌مرد.

دکتر نامبرده پس از پایان جنگ جهانی اول، به انگلستان بازگشت و همان روش بدویان را سرآغاز کار خود قرارداد؛ اما وی با روش علمی، نطفه را از طریق لوله‌های آزمایش، به رحم منتقل می‌کرد که خطری برای استفاده‌کننده به همراه نداشت (علوی قزوینی، ۱۳۷۴). در نهایت این روش به تلقیح مصنوعی نام‌گذاری شد و اکنون در اکثر کشورهای پیشرفته، اجرا می‌شود.

با ترقی علوم بشری در عرصه‌های مختلف از جمله مسائل پزشکی، در فقه نیز مسائلی جدیدی بروز نموده است که حکم فقهی آن در سابق وجود نداشت و یا اینکه به طور واضح و مفصل بیان نشده بود.

یکی از مسائل جدیدی که در فقه و بالتبع در حقوق، مطرح گردیده، بحث «تلقیح مصنوعی است» که بسته به نیاز عده‌ای از مردم، در بسیاری از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی انجام می‌شود.

واکاوی مسئله «تلقیح مصنوعی» در فقه اهل بیت و حقوق ایران* ۷

بر همین اساس می‌بایست از نگاه فقهی و حقوقی حکم مسئله روشن شود تا افرادی که بهاین عمل نیاز پیدامی‌کنند هم از نگاه فقهی دچار مشکل نشوند و هم از حیث حقوقی احساس امنیت خاطر داشته باشند و بتوانند راه و روش مناسب را انتخاب نمایند.

تاکنون تحقیقات زیادی را در این راستا به زبان‌های گوناگون و با رویکردهای متفاوت، ارائه نموده‌اند.^۱ همچنین مقالات که در تبیین تلقیح مصنوعی نگاشته شده است هرکدام کاستی‌های دارند؛^۲ لذا تحقیق پیش رو با رویکرد تازه‌ای به این موضوع نگریسته و به‌طور خلاصه اهم مطالب مربوط به این بحث را به رشته تحریر درآورده است.

هدف از این نگارش، روشن شدن احکام مربوطه بوده و روشگردآوری اطلاعات در این تحقیق کتابخان‌های است.

تلقیح مصنوعی به‌وسیله نطفه مرد نامحرم و تخمک زن، حرام است.

انواع تلقیح

۱. نطفه‌ی مرد به رحم زن قانونی و شرعی او قرار داده شود

غالب فقهای معاصر این نوع از تلقیح را مجاز شمرده‌اند (تبریزی، ۴۲۳ ق، ۴۶۱؛ خویی، ۱۴۱۲ ق، ص ۲۷؛ سیستانی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۴۶۲) به دلیل برائت شرعی و عقلی (مؤمن قمی، ۱۳۷۴، ش ۴، ص ۵۰).

این نوع از تلقیح، منوط به این است که مرتکب کار حرامی نشوند، مثل اینکه مرد با استمناء منی خود را خارج کند، یا مرد نامحرم، نطفه شوهر را در رحم زن قرار دهد.

واضح است که در صورت انجام تلقیح با مقدمات حرام، خود عمل هم حرام خواهد بود

۱. از جمله فقهای که دست به تبیین این موضوع زده‌اند: جواد تبریزی (۱۴۲۳). صراط النجاة؛ روح‌الله خمینی (بی‌تا). تحریر الوسیله؛ ابوالقاسم خویی، (۱۹۷۶). مستحدثات المسائل؛ سید محسن حکیم، (۱۳۸۹). منهاج الصالحین؛ علی سیستانی، (۱۴۲۵). وسائل الإنجاب الصناعية؛ شیخ آصف محسنی، (۱۳۸۲). الفقه و مسائل طبیه.

۲. بجنوردی، م (۱۳۷۱). استفتاناتو نظریات پیرامون تلقیح مصنوعی؛ حرم پناهی، م (۱۳۷۶). تلقیح مصنوعی؛ سید علی علوی قزوینی، (۱۳۷۴). آثار حقوقی تلقیح مصنوعی انسان؛ مؤمن قمی، (۱۳۷۴). سخنی درباره تلقیح.

(حرم پناهی، ۱۳۷۶).

بنابراین تلقیح به همسر قانونی و شرعی جایز بوده و بادر نظر گرفتن مقدمات شرعی و قانونی آن، منعی ندارد.

اما چنانچه مردی نطفه‌اشدر بانک اسپرم نگهداری شود و بعد از مرگش در رحم همسرش قرار داده شود، عده‌ای از فقها حکم به جواز این کار داده‌اند (لنکرانی، بی تا، ج ۱، ص ۵۶۶) و برخی دیگر حکم به منع صادر نموده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۶۴).

دلیل این امر این است که بعد از فوت زوج، نکاح باقی نمی ماند و استصحاب بقای نکاح نیز موردی ندارد، زیرا موضوع از بین رفته است.

با توجه به این مطلب، تلقیح در این صورت، حکم تلقیح به بیگانه را دارد.

۲. نطفه‌ی مرد به رحم زن بیگانه نهاده شود

الف) نطفه‌ی مرد و تخمک زن شرعی او در رحم زناجنبی نهاده شود

انجام چنین کاری منع شرعی ندارد و اصالت الاباحه جاری می شود، البته اگر زن شوهردار باشد اجازه شوهر لازم است (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۱).

زیرا در این مورد کارحرامی انجام نشده است و صرفاً از رحم اجنبی برای پرورش جنین استفاده می شود که این کار با رضایت صاحب رحم و شوهرش، شرعی و قانونی است.

البته در این جایک سوال باقی می ماند، که آیا زن اجنبی شرعاً مجاز است که منی مردی را در رحم خود قرار دهد؟ آیا صرف قرار دادن منی نامحرم در رحم حرامت ندارد؟

در پاسخ به این سوال باید گفت که آنچه شرعاً حرام دانسته شده است، ریختن منی از طریق مقاربت جنسی است و الا نفس ریختن منی بدون مقاربت و از طریق لوله آزمایشگاهی، در صورتی که حین انتقال کار حرامی انجام نشود، حرامتی ندارد بویژه زمانی که همراه با رضایت زوجین باشد، البته این جواب قابل خدشه است، زیرا براساس ادله قرآنی، زن باید فرج خود را از هرگونه تماس با نامحرم حفظ نماید، و نهادن منی نامحرم در رحم برخلاف این ادله است.

ب) اسپرم اجنبی در رحم زن بیگانه قرار داده شود

این مسئله اختلافی است، ابتدا نظریه هر یک را بررسی کرده و سپس استدلال موافقان و مخالفان را بیان می کنیم در آخر به جمع بندیو نتیجه گیری خواهیم رسید.

واکاوی مسئله «تلقیح مصنوعی» در فقه اهل بیت و حقوق ایران * ۹

✽ دیدگاه‌های فقهی حقوقی پیرامون مسئله

✽ الف) دیدگاه مخالفان

در این مسئله، مشهور فقها حکم به عدم جواز داده و از چنین تلقیحی منع کرده‌اند (خمینی، بی تا ۶۲۱/۲؛ فاضل لنگرانی، ۱۳۷۷، ۶۰۲/۱؛ موسوی گلپایگانی، بی تا ۱۷۷/۲؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۱ ق، ۷۷۰).

✽ دلایل مخالفان

* الف) آیات قرآن کریم

۱. وقل للمؤمنات یعضضن من ابصارهن ویحفظن فروجهن (نور/۳۱).
ای پیامبر به زن‌های مؤمنه بگو که چشم‌های خود را از دیدن بیگانه به شهوت فرو پوشانند و فروج خود را از زشتی‌ها نگاهدارند.

از این آیه می‌توان حکم عدم جواز تلقیح مصنوعی مورد بحث را نتیجه گرفت زیرا حفظ فرج تنها به عمل جنسی اختصاص ندارد و هر نوع کاری حرامی را که به فرج مربوط باشد، در بر می‌گیرد که از جمله‌ها تلقیح مصنوعی با نطفه‌ی مرد اجنبی است (قائمی، ۱۴۲۴، ۳۷۹).
در استدلال به این‌آیه اشکالاتی وارد نموده‌اند که قابل دفع است از جمله این که این آیه انصراف به مقاربت جنسی دارد و...

۲. والذین هم لفروجهم حافظون إلا علی أزواجهم أو ما ملکت ایمانهم... (مؤمنون/۷-۵)؛
«آنان که فروج و اندامشان را از عمل حرام نگاه می‌دارند، مگر بر جفت‌هایشان یا کنیزان ملک یمین آن‌ها که هیچ‌گونه ملامتی در مباشرت این زنان بر آن‌ها نیست؛ و کسی که غیر این زنان حلال را به مباشرت طلبد البته ستم‌کار و متعدی خواهد بود»

وجه استدلال به این آیه این است که زن باید آلت جنسی خود را از هر چیزی حرامی حفظ کند اعم از عمل جنسی و مقاربتی، لمس نگاه نامحرم، ریختن نطفه‌ی دیگری در آن و...
که از جمله تلقیح مصنوعی از نطفه‌ی اجنبی را نیز شامل است.

استدلال به این آیه مورد نقد و رد قرار گرفته است و اینکه آیه بر بیش از مقاربت جنسی دلالت ندارد، حداکثر حرمت لمس و نگاه را می‌رساند

اما برخی از مفسرین در رد این ایرادات بیان داشته‌اند که حفظ فرج، اعم از مقاربت جنسی، نگاه، لمس... است، مقصود حفظ آن از تمام محرمات است (الفخر الرازی، ۱۴۲۰، ۸/ ۳۶۳؛ الألومی البغدادی، ۱۴۲۰، ق، ۱۷/ ۴۵۵).

* (ب) احادیث

مهم‌ترین روایات که در این زمینه می‌شود به آن‌ها استناد کرد عبارت‌اند از:

۱. محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن عثمان بن عبیس، عن علی بن سالم، عن ابی عبدالله علیه السلام: قال ان اشد الناس عذابا یوم القیامه رجلا اقر نطفته فی رحم ما یحرم علیه (کلینی ۱۴۱۳/۵/۵۳۹). «شدیدترین عذاب در روز قیامت، عذاب مردی است که نطفه خود را در رحم زنی نامحرم بریزد»

این حدیث صورتی را که مرد با مقاربت جنسی منی خود را در رحم زن اجنبی منتقل نماید، شامل می‌شود؛ اما دلالتش در صورتی که منی از طریق لوله آزمایشگاهی داخل رحم شود، چندان روشن نیست. چنانچه گذشت برخی از فقها در این مورد حکم به جواز داده‌اند به خاطر اصل جواز و اباحه.

ثانیا در سند این حدیث خدشه وارد کرده‌اند مبنی بر اینکه علی ابن سالم مشتبه بین دو نفر است پس حدیث از نگاه سندی ضعیف است (مؤمن قمی، همان، ص ۸۲).

هرچند اشکال سندی وارد نیست؛ زیرا هردو نفر را شیخ مفید در ارشاد توثیق نموده است. از طرفی سایر روایات حدیث ثقه هستند و بعید است که این افراد مورد اعتماد، حدیث ضعیف نقل نموده باشند (قائمی، همان، ص ۳۸۱)؛ اما اشکال دلالی بر قوت خود باقی است.

۲. امام صادق علیه السلام از رسول اکرم نقل فرموده‌اند که در کارهای انسان‌ها، نزد خداوند، بدتر و سنگین‌تر از قتل پیامبر، امام، تخریب کعبه و قرار دادن منی حرام در رحم زن نامحرم نیست (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۵۵۹).

طبق این حدیث، تلقیح مصنوعی مورد بحث حرام است، زیرا حدیث صراحت دارد بر حرمت قرار دادن منی، در رحم زن اجنبی.

یکی از ایراداتی که بر این حدیث وارد نموده‌اند این است که منظور از قرار دادن منی در این حدیث، مقاربت جنسی و شیوه متعارف است و حدیث به همین مورد خاص انصراف

واکاوی مسئله «تلقیح مصنوعی» در فقه اهل بیت و حقوق ایران * ۱۱

دارد (مهرپور، ۱۳۷۹، ص ۳۷۱؛ کریمی، ۱۹۴).

جوابش این است که:

اولاً غلبه استعمال خارجی منشأ انصراف نمی تواند باشد.

ثانیاً جدای از مقاربت و عمل جنسی، نفس ریختن منی در رحم زن نامحرم حرمت مستقل دارد و خداوند برای آن مجازات مستقل و حرمت مجرا در نظر گرفته است، پس منی حرام، چه از راه نزدیکی در رحم فرار گیرد و چه با ابزار و آلات پزشکی و... باشد، هرکدام حرمت جداگانه دارد.

بنابراین دلالت این حدیث بر حرمت تلقیح مصنوعی با نطفه یغیرشرعی روشن است و اشکالات وارده بی اساس است

۳. احتیاطی که از روایت امام صادق (علیه السلام) به دست می آید

قلت لابی عبدالله (ع) رجل من موالیك یقرأك السلام وقد أراد أن یتزوج امرأة وقد وافقته واعجبه بعض شأنها وقد كان لها زوج فطلقها علی غیر السننه وقد کره ان یقدم علی تزویجها حتی یستأمرک فتکون أنت تأمره، فقال ابو عبدالله (ع) هو الفرج و امر الفرج شدید منه یكون الولد و نحن نحتاط فلا یتزوجها (عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۴، ص ۱۹۳).

به امام صادق عرضه داشتیم که یکی از دوستان شما ضمن عرض سلام، قصد ازدواج با زنی را دارد که قبلاً شوهر داشته که از او با روش شرعی جدا شده است، اونمی خواهد با چنین وضعی با آن زن ازدواج کند و از شما کسب تکلیف نموده است.

امام در جواب فرمودند که این مسئله مهمی است و به آلت جنسی زن مربوط می شود و از آن بچه به دنیا می آید و احتیاط نباید با آن زن ازدواج کرد.

همان گونه که ملاحظه فرمودید، امام علیه السلام، نهی ازدواج را از باب احتیاط دانسته است

وجه استدلال به این حدیث شریف این است که اگر در مورد حرمت یا جواز تلقیح مصنوعی مورد بحث شک و تردید وجود داشته باشد؛ باید احتیاط کرد و حکمبه حرمت نمود؛ هر چند در این مسئله می توان برائت جاری کرد؛ اما فقهای شیعه در مورد فروج از این اصل عدول نموده و اصالت الاحتیاط را مقدم داشته اند (الروحانی، ۱۳۹۸، ص ۱۲).

✻ (ب) موافقان تلقیح مصنوع

عده‌ای از فقهای شیعه این نوع از تلقیح را مشروعیت بخشیده‌اند (یزدی، ۱۳۷۵، ش ۵ و ۶، ص ۱۰۵؛ بجنوردی، ۱۳۷۱، ش ۲ و ۳، ص ۲۵۵).

به این دلیل که اصل در همه چیز جواز است مگر اینکه دلیل برخلاف آن داشت باشیم در کارهای که انجام می‌دهیم در برخورد با انسان‌ها و اشیا، اصل این است که همه کار جایز باشد و همه اشیا برای انسان مباح باشد، اگر کسی معتقد باشد که کار معینی نباید انجام شود باید دلیل بیاورد

صاحبان این نظریه، برای اثبات ادعای خود به اصل اباحه و جواز، استناد نموده و مدعی‌شده‌اند که تازمانی که حرمت یا عدم جواز، ثابت نشده است، انسان مختار به انجام آن است (یزدی، همان، ص ۹۸).

بررسی و نقد این نظریه:

حکم به اباحه و جواز در صورتی است که انجام فعل، پیامد منفی و زیانباری برای شخص و جامعه نداشته باشد والا ممنوع خواهد بود.

جایز شمردن این نوع از تلقیح مصنوعی، می‌تواند زمینه را برای ضربه زدن به جامعه بشری فراهم نماید و پیامدهای شومی دارد که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود:

✻ پیامدهای جواز تلقیح مصنوعی

* ۱. فراهم شدن زمینه برای بی‌بندوباری جنسی

اگر زنی قبول کند که نطفه‌ی مرد نامحرم در رحم او قرار داده شود، چه بسا ترغیب خواهد شد که انتقال نطفه نامحرم، به رحم او، با لوله‌آزمایش باشد، یا از طریق عادی و از راه لذت جنسی، چه فرقی می‌کند و با این طرز فکر، زمینه‌ی انحطاط اخلاقی او فراهم می‌شود. و چنانچه از راه حرام باردار گردد، می‌تواند تلقیح مصنوعی را بهانه‌ی حمل خود نماید و شوهر هم نمی‌تواند کاری انجام دهد.

* ۲. فروپاشی نظام اجتماعی

واکاوی مسئله «تلقیح مصنوعی» در فقه اهل بیت و حقوق ایران * ۱۳

یکی از مهم‌ترین مفاسد مقاربت جنسی نامشروع، از بین رفتن نسب است و کودکی که از این راه متولد می‌شود مجهول‌الهویه خواهد بود و بعد از ولادت، زندگی‌او را به چالش خواهد کشید و رابطه‌ی پدری و پسری در مورد او از بین خواهد رفت، این در حالی است که اسلام بر روی تشکیل خانواده مشروع تأکید فراوانی دارد و یکی از مهم‌ترین علت‌های آن نیز منحصر کردن زادوولد به روابط شرعی و قانونی است؛ تا بنیاد خانواده‌ها فرو نپاشد؛ زیرا باروری از راه‌های دیگری چون تلقیح مصنوعی و... باعث سست شدن و بی‌رغبتی به تشکیل خانواده می‌گردد.

در همین زمان، بسیار از زنان در کشورهای غربی، بدون اینکه ازدواج نمایند با مراجعه به بانک اسپرم صاحب فرزند می‌شوند و چنانچه این رویه ادامه یابد و به کشورهای اسلامی سرایت کند، کانون خانواده و تناسلو توالد طبیعی را از بین خواهد برد. این مشکل بر روی کودکان متولد از تلقیح مصنوعی مورد بحث نیز تطبیق می‌شود.

۳. کاسته شدن روابط عاطفی بین زوجین و کودک

بدون شک محبت که والدین طبیعی نسبت به کودکان خود دارند در مورد کودک متولد شده از نطفه‌ی مرد نامحرم وجود نخواهد داشت؛ به‌ویژه زمانی که تلقیح مصنوعی، بدون رضایت قلبی یکی از زوجین صورت گرفته باشد. کودکی که از محبت و عاطفه‌ی یکی از والدین خود محروم باشد، دچار مشکلات روحی روانی شده و نمی‌تواند مسیر درستی را در زندگی مادی و معنوی خود در پیش گیرد. از طرفی زن و شوهر چون کودک تلقیحی را از خون خود نمی‌دانند، توجه کافی و درخور والدین طبیعی را نمی‌توانند مبذول کودک نموده و بار سنگین زندگی او را بر دوش بکشند.

* ۴. مخالفت با فطرت

حکم به جواز باعث می‌شود که ریختن نطفه پدر در رحم دختر و ریختن نطفه‌ی برادر در رحم خواهر و مادر و سایر محارم جایز باشد در حالی که این حکم خلاف اخلاق و سنت‌ها یقابل قبول بشریو دور از انسانیتو فطرت است، امری که هیچ فقیهی به آن معتقد نشده است (صافی گلپایگانی (۱۳۷۱)، همان).

• ارتباط تلقیح با نسب

نسب در لغت به معنای قرابت و خویشاوندی است و نسبت بین فرزندی و پدری را گویند (المعجم الوجیز، ۱۹۹۱ م، ۶۱۲).

در اصطلاح به رابطه‌ی فرزندی و پدری که از طریق نکاح شرعی و صحیحو یا از طریق شبهه به وجود می‌آید، نسب گویند و بازنا نسب ثابت نمی‌شود (محقق‌حلی ۱۴۰۳ ق، ص ۵۰۴). با بررسی مواد ۱۱۵۸ تا ۱۱۶۸ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، در مورد نسب می‌توان به این تعریف رسید که نسب عبارت است از «رابطه‌ی خویشاوندی بین دو نفر که یکی از نسل دیگری یا هر دو از نسل شخص ثالثی باشند» (صفایی امامی، ۱۳۸۱).

* اقسام نسب

نسب را می‌توان به دو قسم ۱. مشروع و ۲. نامشروع تقسیم کرد مثل طفل متولد شده از رابطه‌ی مشروع و فرزندزاده شده از زنا، در مشروعیت قسم اول و نامشروع بودن قسم دوم بحثی نیست؛ اما «قانون‌گذاران شیعه ولد شبهه را در زمره‌ی نسب مشروع داخل نموده‌اند» (کاتوزیان، ۱۳۷۲ ص ۹).

بحث در این است که کودک تلقیحی که از نطفه‌ی نامحرم به دنیا آمده داخل در کدام قسم است؟

قابل ذکر اینکه، تلقیح مصنوعی را نمی‌توان با زنا مقایسه نموده و حکم زنا را بر آن بار نمود؛ زیرا زنا عبارت است از «إیلاج الذکر البالغ العاقل فی فرج امرأة محرمة من غیر عقد و لاشبهة قدر الحشفة عالماً مختاراً» (شهید ثانی، بی تا، ج ۲، ص ۳۲۴).

پس زنا در صورتی محقق می‌شود که مرد بالغ و عاقل، با زن بیگانه بدون عقد و بدون شبهه^۱، عالماً و از روی اختیار، عمل جنسی را به همان کیفیت مقرر شده انجام دهد. با توجه به این تعریف، تلقیح مصنوعی را نمی‌توان محکوم به حکم زنا دانست.

۱. در علم فقه و حقوق شبهه خطا و اشتباهی است که در اثر ناآگاهی به حکم یا موضوع حکم و مشتبه شدن حلال و حرام و توهم حلیت و جواز برای مکلف پیش آید و ممکن است حکمیه و یا موضوعیه باشد. در شبهه حکمیه مکلف حکم کلی خداوند را نمی‌داند اما در شبهه موضوعیه موضوع برای وی مشتبه شده است (رضا

واکاوی مسئله «تلقیح مصنوعی» در فقه اهل بیت و حقوق ایران * ۱۵

قانون مجازات اسلامی در ماده ۳۶ مقرر داشته است که: زنا عبارت است از جماع مرد با زنی که بر او ذاتاً حرام است، گرچه در دُبر باشد در غیر موارد وطیء به شبهه. پس قانوناً؛ نیز تلقیح مصنوعی مورد بحث، حکم زنا را ندارد. در نتیجه نسب ناشی از تلقیح مصنوعی در قسم دوم را نمی‌تواند در حکم کودک متولد از زنا دانست.

در این مورد شبهاتی وجود دارد که قابل دفع است. مرحوم خوبی (۱۹۷۶) در این زمینه معتقد است که فرزند متولد از تلقیح مصنوعی به صاحب نطفه (منی) ملحق می‌شود و تمام احکام نسب بر وی قابل تطبیق است. از میان علمای شیعه فقط مرحوم سید محسن حکیم (۱۳۸۹) با قول مشهور در این مسئله مخالفت کرده است:

اگر زنی به واسطه نطفه‌ی نامحرم با تلقیح مصنوعی بچه به دنیا آورد، کودک به همان زن ملحق می‌شود نه به صاحب نطفه (ج ۲، ص ۲۱۵).

مرحوم حکیم در انتساب به پدر فقط روش متداول و طبیعی را شرط می‌داند؛ ولی مشهور فقهای امامیه، شکل‌گیری کودک از نطفه را شرط می‌دانند نه شیوه بارداری را. خلاصه اینکه در این روش از تلقیح، کودک منتسب به صاحب نطفه و صاحب رحم است و شوهر زن در فرضی که نطفه از او نباشد، هیچ رابطه‌ای نسبی و طبیعی با کودک ندارد. در این قسم از تلقیح، پدر کودک صاحب نطفه است اگر کودک دختر باشد بپیشان حرمت ازدواج برقرار می‌شود؛ اما با توجه به اینکه نطفه را اهدا کرده است و از آن اعراض نموده است مسائل چون نگهداری، توارث، حضانت، نفقه، ولایت و... از صاحب نطفه سلب می‌شود و بر عهده‌ی کسانی است که نطفه را برای تلقیح مصنوعی درخواست داده‌اند (مرفاتی، همان، ص ۱۴۴).

مادر طفل متولد شده از تلقیح مصنوعی کیست؟

اگر زنیکه نطفه در رحم او رشد می‌کند، دارای تخمک سالم باشد، بدون شک، طفل از حیث مادر منتسب به همان زن است؛ اما اگر تخمک را از زن دیگری گرفته باشند، در اینکه مادر کودک کدام یک از دو زن صاحب تخمک یا صاحب رحم است سه نظریه وجود دارد.

۱. صاحب رحم مادر است.
مرحوم خویی (۱۹۷۶)، بدین عقیده است که صاحب رحم مادر کودک قلمداد می شود (ج ۲، ص ۲۳۰).
- دلیل آن رامی توانآیه ۲ سوره مجادله (وإن أمهاتهم إلا اللاتنی ولدنهم) دانست که زایمان را ملاک مادر بودن معرفی کرده است.
متفاهم عرفی نیز همین است.
۲. صاحب تخمک مادر است.
برخی دیگر از فقها، صاحب تخمک را مادر می دانند؛ زیرا رحم بدون تخمک نمی تواند نقشی در تکوین کودک ایجاد نماید و صفات وراثتی از طریق تخمک به طفل منتقل می شود و رحم صرفاً وظیفه‌ی نگهداری و مراقبت و رشد کودک را بر عهده دارد (سیستانی ۱۴۲۵، ص ۴۲۶).
عده‌ای از حقوقدانان نیز همین نظریه را انتخاب کرده‌اند (شهیدی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۸).
- برای اثبات این نظریه می توان به آیه دوم سوره انسان استدلال نمود، آنجا که می فرماید: انا خلقنا الانسان من نطفة امشاج نبتلیه.
که منظور از نطفه امشاج، ترکیبی از نطفه‌ی مرد و تخمک زن باشد (قانتی، ۱۴۲۴، ص ۳۴۵).
۳. هردو مادر است
از نظر علم پزشکی ثابت شده است که با ترکیب از تخمک دو زن و نطفه‌ی یک مرد می توان در رحم زن سوم، کودکی را رشد داده و به دنیا آورد.
طرفداران این نظریه معتقدند که هردو زنی توانند مادر محسوب شوند، هم صاحب تخمک و هم صاحب رحم (مرقاتی، ۱۳۸۸).
- به نظر می رسد قول سوم قوی تر باشد زیرا برایتکوینو ایجاد، کودک هم نیازمند رحم^۱ است و هم تخمک را لازم دارد و بدون یکی از آن دو، به وجود نمی آید

• ارتباط ارث با تلقیح

این بحث را باید در چند صورت بررسی نمود:

۱. اعم از رحم طبیعی یا مصنوعی.

واکاوی مسئله «تلقیح مصنوعی» در فقه اهل بیت و حقوق ایران * ۱۷

اگر نطفه‌ی مرد در رحم زن شرعی او ریخته شود و فرزند متولد شود بحث ارث، بر او مترتب می‌شود و مشکلی نیست (نوری همدانی، ۱۳۷۷، ص ۳۰۰).

بحث توارث در این مورد برقرار است و مشکلی وجود ندارد زیرا فرزند متولد شده حکم فرزند طبیعی را دارد.

هم‌چنین در همین فرض اگر بعد از انعقاد نطفه در رحم زن، شوهر قانونی و شرعی بمیرد و کودک ناشی از تلقیح بعد از مرگ او به دنیا بیاید، باز هم ارث می‌برد (لنکرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۷۱)؛ برقرار بودن حکم ارث بردن در این مورد روشن است مثل فرزندی که بعد از انعقاد نطفه به صورت طبیعی، پدرش فوت شود.

اگر بعد از مرگ صاحب اسپرم، نطفه منعقد شود، در اینکه ارث می‌برد یا نه؟ اختلاف است:

برخی قائل به ارث شده‌اند، چون رابطه توارث برقرار است ولو مورث مرده است ولی عده‌ای دیگر قائل به عدم ارث رسی می‌باشند زیرا شرط ارث‌بری این است که وارث هنگام فوت مورث وجود داشته باشد ولو در رحم مادر باشد؛ ولی در اینجا نطفه مرد بعد از فوتش در رحم همسر شرعی او قرار داده شده است (سیستانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۶۵).

این مسئله در فرضی است که اسپرم مرد را از بانک اسپرم یا از جای دیگری که نگهداری می‌شده است بعد از مرگش به رحم زن همان شخص منتقل نمایند

در این جا سوالی مطرح می‌شود و آن این است که بعد از مرگ، علقه‌ی زوجیت از بین می‌رود، آیا چنین زنی شرعاً مجاز هست که از چنین اسپرمی استفاده نماید یا خیر؟

همان دو نظریه قبلی پیش می‌آید، زیرا این صورت حکم تلقیح با نطفه‌ی اجنبی را دارد که به تفصیل بیان شد.

کودکی که از اسپرم مرد و تخمک همسرش در خارج از رحم و در آزمایشگاه رشد نموده است، مثل کودکان دیگر است و از این حیث فرقی ندارد (محسنی، ۱۳۸۲، ص ۹۴).

اگر کودکی با تلقیح غیر شرعی به وجود آمده باشد، برخی معتقدند که میان صاحب نطفه با آن طفل به دلیل واگزار شدن نطفه و اعراض از آن، رابطه‌ی توارث قطع می‌شود اما روابط دیگری چون محرمیت، نسب و... برقرار است (مرقاتی، ۱۳۸۸).

اما می‌توان در این نظریه خدشه کرد؛ زیرا این طفل از نطفه‌ی آن مرد به دنیا آمده است و او نمی‌تواند چنین رابطه‌ای را که توسط خداوند برقرار شده است به اجبار قطع کند. مرحوم خویی (۱۹۷۶)، در این زمینه معتقد است که تنها عاملی که مانع ارث می‌شود، تولد بواسطه زناست و کودکی که با تلقیح مصنوعی با نطفه‌ی بیگانه متولد می‌شود، به صاحب نطفه ملحق می‌شود و تمام احکام مربوط به فرزند شرعی بر او مترتب می‌گردد. در قانون مدنی ایران تنها عاملی که باعث قطع وراثت می‌شود، زناست (امامی، ۱۳۳۹)؛ لذا این نوع از تلقیح مصنوعی مانع ارث بری نیست.

• ارتباط تلقیح با محرمیت

۱. کودکی که با تلقیح اسپرم و تخمک زن و شوهر شرعی، به وجود آمده است بلاشک، رابطه محرمیت بین آنان برقرار است و منعی شرعی و قانونی وجود ندارد.
۲. رابطه محرمیت میان کودکی که از تلقیح نطفه مرد نامحرم وزن اجنبی به وجود آمده است؛ نیز برقرار است (سیستانی ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۷۶۵)؛ زیرا هرچند زن و مرد نسبت به هم دیگر نامحرم‌اند؛ اما طفلی که از تلقیح نطفه و تخمک‌ان‌ها به وجود آمده محرم صاحب نطفه و صاحب تخمک است. دلیل محرمیت طفل با زن این است که اولاً: در رحم او رشد نمود است و از طرفی نیز تخمک زن در ایجاد و تکون کودک نقش ایفا کرده است ثانیاً: در بسیاری از موارد کودک از شیر زن استفاده می‌کند که از این طریق نیز رابطه‌ی محرمیت برقرار می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۶۵).
- دلیل محرمیت کودک به صاحب اسپرم نیز روشن است زیرا ماده اولیه تکون و ایجاد کودک به قدرت خداوند، همان‌نطفه‌ای مرد است که با تخمک زن، باعث به وجود آمدن طفل می‌گردد.

واکاوی مسئله «تلقیح مصنوعی» در فقه اهل بیت و حقوق ایران * ۱۹

☀ نتیجه گیری

از بررسی مطالب فوق، نتایج ذیل به دست می آید:

۱. اگر با استفاده از نطفه مرد و تخمک زن شرعی او تلقیح صورت گیرد شرعاً و قانوناً منعی وجود ندارد.

۲. تلقیح مصنوعی به وسیله نطفه مرد نامحرم حرام است

۳. کودکتولد شده به وسیله تلقیح مصنوعی به صاحب نطفه و تخمک محرم است، چه نطفه‌ی حلال باشد یا حرام.

۴. رابطه‌ی نسبی بین کودک با زن و مرد شرعی و قانونی برقرار است و تمام احکام مربوط به نسب، بر آن‌ها تطبیق می‌شود؛ اما اگر از نطفه‌ی نامحرم و تخمک و رحم زنی کودکی به وسیله تلقیح به وجود آمد، طبق قول مشهور فقهای شیعه از جمله مرحوم خوئی، بین کودک با صاحب نطفه (مرد نامحرم) و صاحب رحم و تخمک (زن نامحرم)، رابطه‌ی نسبی برقرار است؛ یعنی آن مرد نامحرم پدر کودک، وزن مادر آن است، هر چند این زن و شوهر به همدیگر نامحرم می‌باشند؛ هر چند ارث بری بین کودک و صاحب نطفه قطع می‌شود، چون صاحب نطفه از آن اعراض کرده است.

☀ فهرست منابع:

قرآن کریم

۱. الألوئی البغدادی، محمود (۱۴۲۰ ق). روح المعانی. بیروت: دار احیاء التراث.
۲. امامی، حسن. (۱۳۳۹ ش). حقوق مدنی. تهران: دانشگاه تهران.
۳. بجنوردی، م (۱۳۷۱). استفتائات و نظریات پیرامون تلقیح مصنوعی. فصلنامه رهنمون، (۲) و ۳، ۲۵۵.
۴. بهشتی، محمد (بی تا). فرهنگ صبا، بی جا، بی نا.
۵. تبریزی، جواد (۱۴۲۳). صراط النجاة. قم: دار الصدیقة الشهيدة.
۶. حرم پناهی، م (۱۳۷۶). تلقیح مصنوعی. فقهاهل بیت. (۵ و ۶)، ص ۱۴۱.
۷. حکیم، سید محسن (۱۳۸۹). منهاج الصالحین. النجف الاشرف: مطبعة النعمان.
۸. خراسانی، حسین وحید (بی تا). توضیح المسائل. قم: مدرسه باقرالعلوم.

۲۰ * فصلنامه علمی نسیم کوثر / بهار ۱۴۰۱ / شماره ۴

۹. خمینی، روح الله (بی تا). تحریر الوسیله. قم: دارالعلم.
۱۰. خویی، ابوالقاسم (۱۹۷۶). مستحدثات المسائل. النجف الاشرف: مطبعة الآداب.
۱۱. خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۲). توضیح المسائل. قم: مدینه العلم.
۱۲. روحانی، سید محمدصادق (۱۳۹۸). المسائل المستحدثه. قم: مدرسة الإمام الصادق.
۱۳. سیستانی، علی (۱۴۲۵). وسائل الإنجاب الصناعية. بیروت: دارالمورخ العربی.
۱۴. -؛ (۱۴۱۷). منهاج الصالحین. قم: مکتب السید السیستانی.
۱۵. -؛ (۱۳۷۸). توضیح المسائل مراجع، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. شکر، رضا (۱۳۸۵). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی. تهران: مهاجر.
۱۷. شهیدثانی (بی تا). شرح لمعه، به کوشش عبدالرحیم، چاپ سنگی.
۱۸. شهیدی، مهدی (۱۳۸۰). وضعیت حقوقی کودک آزمایشگاهی، روش های نوین تولیدمثل انسانی. تهران: سمت.
۱۹. شیخ صدوق (۱۴۰۴). من لا یحضره الفقیه. قم: منشورات جامعة المدرسین.
۲۰. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۷۱). استفتانات. فصلنامه رهنمون، (۲ و ۳)، ۲۱۹-۲۲۲.
۲۱. صفایی، حسین؛ امامی، اسدالله (۱۳۸۱). حقوق خانواده. تهران: دانشگاه تهران، (۳۹)، ص ۲.
۲۲. عاملی، حر (۱۴۰۳). وسائل الشیعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۳. علوی قزوینی، سیدعلی (۱۳۷۴). آثار حقوقی تلقیح مصنوعی انسان. مجله نامه مفید. (۳)، ص ۱۶۸.
۲۴. فخر الرازی محمد (۱۴۲۰). التفسیر الکبیر. بیروت: دارالاحیاء التراث.
۲۵. قائمی، محمد (۱۴۲۴). المبسوط فی فقه المسائل المعاصره. قم: مرکز فقه ائمه اطهار.
۲۶. قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. کریمی، حسین (بی تا). نقد و نظر در حکم تلقیح نطفه. فصلنامه دانشگاه قم، (۲)، ۱۹۴.
۲۸. کلینی (۱۴۱۳). اصول کافی. بیروت: دارالاضواء.
۲۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۲). حقوق مدنی خانواده. تهران: شرکت انتشار.
۳۰. لنگرانی، محمد فاضل (۱۳۷۷). جامع المسائل. قم: مطبوعاتی امیر.

واکاوی مسئله «تلقیح مصنوعی» در فقه اهل بیت و حقوق ایران * ۲۱

۳۱. محسنی، آصف (۱۳۸۲). الفقه و مسائل طبیه. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۳۲. محقق حلی، جعفر (۱۴۰۳). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. بیروت: مؤسسة الوفاء.
۳۳. مرقاتی، سیدطه (۱۳۸۸). نسب ناشی از لقاح مصنوعیبا دخالت عامل بیگانه. مجله مقالاتو بررسیها، (۷۵)، ص ۱۴۳.
۳۴. معجم الوجیز (۱۹۹۱م). مجمع اللغة العربية. وزارة التربية و التعليم.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۱). استفتائات جدید. قم: انتشارات مدرسه امام علی.
۳۶. مهرپور، حسین (۱۳۷۹). مباحثی از حقوق زن. تهران: اطلاعات.
۳۷. موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا (بی تا). مجمع المسائل. قم: دارالقرآن الکریم.
۳۸. مؤمن قمی، محمد (۱۴۱۵). کلمات سیده فی مسائل جدید. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۳۹. —؛ (۱۳۷۴). سخنی درباره تلقیح. مجله فقه اهل بیت، (۴)، ۴۹-۷۶.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). استفتائات جدید. قم: مؤسسه مهدی موعود.
۴۱. همدانی، نوری (۱۳۷۷). یک مسئله فقهی. قم: مؤسسه مهدی موعود (عج).
۴۲. یزدی، محمد (۱۳۷۵). بارورهای مصنوعیو حکم فقهی آن. فقه اهل بیت، (۵-۶)

